

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چند معنا در قانون اساسی

عنوان پژوهش

مدخل «قانون»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۲۰

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷



شناسنامه

عنوان:

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چندمعنا در قانون اساسی

مدخل «قانون»

مؤلف:

حسین آیینه نگینی

ناظر علمی:

حامد نیکونهاد

دفتر مطالعات قانون و قانون گذاری

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۲۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲.....	سرآغاز
۳.....	مفهوم شناسی
۵.....	مفهوم «قانون» در اصول قانون اساسی
۶.....	۱- «قانون» در مفهوم قانون عادی
۱۲.....	۲- قانون در معنی احکام شریعت اسلام
۱۲.....	۳- قانون در معنای عام (همه هنجارهای حقوقی)
۱۵.....	۴- قانون به مثابه قانون اساسی
۱۶.....	۵- شمول کلیدواژه «قانون» بر قانون اساسی و عادی
۱۷.....	سرانجام
۱۷.....	فهرست منابع

سر آغاز

کلیدواژه «قانون» از جمله مفاهیم پرکاربرد دانش حقوق است. سؤال از چیستی این دانش واژه در هر متن حقوقی از جمله سؤالات بنیادینی است که پاسخ به آن در عین دشواری، راهگشای ترسیم ابعاد و تبیین مفاد موضوع بوده و نقشی مهم در ارائه تفسیر منطقی از متن ایفا می‌کند. بر این مبنا به هر میزان که اهمیت متن حقوقی افزون می‌گردد به تناسب، یافتن مفهوم «قانون» در آن متن نیز ارزشی بیشتر می‌یابد. علاوه بر این توجه به اوصاف خاص این هنجار حقوقی و اصل بنیادین «حاکمیت قانون» بر جریان امور در جامعه یافتن مفهوم این دانش‌واژه در متون حقوقی را اهمیتی مضاعف می‌بخشد.

اگرچه استفاده از این دانش‌واژه در متون قانونی امری شایع، و یافتن مفهوم آن نیز موضوعی مهم و درخور دقت و توجه است، اما همچنان که هویدا است این مهم در ارتباط با اصلی‌ترین متن قانونی یک جامعه یعنی قانون اساسی به هیچ روی قابل قیاس با دیگر متون قانونی نیست. چرایی این مسئله ریشه در اهمیت قانون اساسی در قیاس با سایر قوانین و قرار گرفتن این متن در رأس نظام حقوقی و سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی در جامعه دارد. نظام حقوقی ایران و در رأس آن، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این مسئله مستثنا نیست؛ با این شرح که واژه «قانون» در بسیاری از اصول این قانون به کار رفته است (اصولی چون بند ۷ و ۱۴ اصل ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۴، ۷۱، ۸۵، ۱۰۰ و اصول متعدد دیگر). آنگونه که در بادی امر به نظر می‌رسد در همه این موارد این واژه نه در معنایی واحد بلکه در مفاهیم متعدد و کاربردهایی مختلف چون قانون اساسی، قانون عادی، معنای عام هنجارهای حقوقی و احکام شریعت اسلام است. چرایی این تعدد در نگاه اول، از ظواهر و منطوق اصول قانون اساسی استخراج می‌شود.

بنابراین مقدمات بررسی مفهوم این دانش‌واژه در اصول قانون اساسی ضرورتی اثبات‌شده است که نتیجه آن می‌تواند گرد ابهام از مفاد برخی اصول این متن قانونی زدوده و زمینه را برای ارائه تفاسیر صحیح، متقن و قابل دفاع از این متن فراهم سازد.

مفهوم‌شناسی

دانش‌واژه «قانون» که اصالت و ریشه یونانی داشته (از ریشه نوموس) و از طریق زبان سریانی وارد زبان عربی شده است (راسخ، ۱۳۸۴: ۱۱) در مفهوم لغوی در معنای ای چون خط‌کش، قاعده‌ای امری که احکام و جزئیات بر مبنای آن شناخته می‌شود، اصل و قاعده، احکام لازم‌الرعايه دستگاه‌های حکومتی و سران کشور، قواعدی که در سیر تاریخی جامعه به صورت طبیعی، یا از سوی مقامات صالح و با رسالت ایجاد نظم و برقراری عدالت ایجاد می‌شود، آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۱۶۲ و معین، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶۲۷ و انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۵۴۶۷ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۸۴۶). معنای اصطلاحی این واژه نیز از معنای لغوی آن چندان متمایز نیست. برخی صاحب‌نظران در اصطلاح و در معنای عام، این واژه را دربردارنده هر سند دارای ضمانت اجرا دانسته‌اند که از سوی مقامات صالح وضع می‌شود. در این معنا «قانون» در بردارنده هنجارهایی چون قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و مانند اینها است (دانش‌پژوه، ۱۳۹۱: ۲۱ و کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۰ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۴۶). اما در معنی خاص این واژه معرف مصوبات قوه مقننه به عنوان مرکز ثقل نظام هنجارگذاری جامعه است (نجفی اسفاد، محسنی، ۱۳۸۶: ۲۴ و کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۰). البته به عنوان یک استثنا باید به این نکته توجه داشت که در نظام حقوقی ایران مستند به اصل ۵۹^(۱) برخی از قوانین عادی برآمده از فرایند همه‌پرسی بوده و این گروه قوانین نیز در شمول قانون در معنای خاص قرار دارند.

برخی در تعریف از «قانون» آن را رابطه‌ای ضابطه‌مند در برابر روابط غیرمنضبط توصیف کرده که دارای خصوصیاتِ چون عمومیت، شمول و کلیت است (دانش‌پژوه، ۱۳۹۱: ۱۹). بیان اخیر اگرچه می‌تواند در احصاء مصادیق «قانون» تعریفی جامع باشد ولی به هیچ‌روی تعریفی مانع، از این کلیدواژه ارائه ننموده است. چرا که در این تعریف یکی از خصوصیات اساسی و ارکان متشکل «قانون» یعنی الزام‌آوری به فراموشی سپرده شده که این موضوع سبب خواهد شد تا متون و قواعدی غیر الزام‌آور

۱. در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

نیز در شمول این تعریف قرار گیرد.

علاوه بر این تعاریف، برخی نویسندگان تعریف شکلی از کلیدواژه «قانون» را متمایز از مفهوم ماهوی آن می‌دانند. با این شرح که در مفهوم شکلی تکیه بر تصویب متن از سوی قوه مقننه، فارغ از خصوصیات و ویژگی‌های محتوایی آن است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۸۱ و موسی زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۷ و متیو، ۱۳۹۱: ۲۴) مسئله‌ای که می‌توان آن را یکی از نمودها و نتایج اصل استقلال قوا در جامعه دانست. از این نگاه «قانون» به متون مصوب قوه مقننه اطلاق می‌شود. در مقابل و در تعریف ماهوی از قانون، تکیه و توجه به خصوصیات محتوایی و ماهوی تمیزدهنده متن قانونی از متون و هنجارهای دیگر است. در این معنا «قانون» به عنوان متنی دربردارنده مفاد کلی که به صورت مستمر حیات حقوقی داشته و به صورت کلی و عام ایجادکننده قواعدی لازم‌الاجرا برای افراد جامعه می‌باشد شناخته می‌شود. این معنا برآمده از این نکته است که در عالم حقوق، آن گروه اسنادی در شمول مصادیق «قانون» قرار می‌گیرند که واجد خصوصیتی چند از جمله استمرار، لازم‌الاجرا، نوعی بودن، معطوف به آینده باشند (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۵-۲۸). بر این اساس در مفهوم محتوایی، هر متن دارای اوصاف یاد شده فارغ از مقام و مرجع مصوب به عنوان «قانون» شناخته می‌شود.

در ادبیات حقوقی نیز اگرچه «قانون» بر اساس معیارهای مختلف، به اقسام مختلفی چون عادی و اساسی، امری^(۱) و تکمیلی^(۲)، مدنی، جزایی و غیر اینها تقسیم می‌شود. در هر حال این کلیدواژه معنای اصیل خود (هنجار حقوقی دارای ضمانت اجرا و مصوب مرجع صلاحیت‌دار) را حفظ کرده است.

تمیز قانون اساسی از قوانین عادی را می‌توان بر مبنای دو رویکرد (تفکیک محتوایی و تفکیک شکلی) انجام داد. با این شرح که در تفکیک محتوایی و ماهوی آنچه مورد نظر است مفاد و احکام مندرج در متن قانون است. بر اساس این رویکرد، آن گروه قواعدی که چارچوب نظام حکومتی، صلاحیت قوای حکومتی و حقوق و

۱. قوانین امری به آن گروه قوانین اطلاق می‌شود که مربوط به نظم عمومی بوده و عدول افراد از این قواعد حتی بر مبنای توافق و سازش نیز ممکن نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

۲. هدف از وضع این گروه قوانین حفاظت از منافع افراد بوده و به عنوان مکمل توافق افراد مورد استفاده قرار می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۵۵).

آزادی‌های بنیادین افراد را دربردارد قانون اساسی خواهد بود.

اگرچه این معیار می‌تواند در تمییز قواعد واجد وصف اساسی از عادی یاری‌کننده باشد، اما در تمییز قوانین عادی از قانون اساسی با اشکال روبه‌رو است؛ چرا که چه بسیار قواعدی که فاقد خصوصیات مذکور بوده ولی در قوانین اساسی به رشته تدوین درآمده و در مقابل نیز می‌توان قواعدی یافت که علی‌رغم بیان مفاد و موضوعات اساسی یادشده در قالب قانون عادی تقنین یافته‌اند. بنابراین ضابطه دیگری که در تمییز قانون اساسی از قانون عادی می‌توان مورد استفاده قرار داد معیار و ضابطه شکلی است. در این رویکرد بیش از آنکه به مفاد قوانین توجه شود به مرجع و تشریفات وضع و نحوه اصلاح و بازنگری در قوانین توجه می‌شود و بر مبنای آن متون اساسی از عادی متمایز می‌شوند (پروین، اصلانی، ۱۳۹۱: ۳۹ و کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۰۷).

راجع به قانون عادی نیز باید به این نکته توجه داشت که با توجه به تکرر مراجع هنجارگذار در نظام حقوقی ایران در این نوشته مفهوم خاص قانون عادی را از مفهوم عام آن متمایز دانسته‌ایم. با این توضیح که مقصود از قانون عادی در مفهوم خاص صرفاً مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتایج همه‌پرسی تقنینی موضوع اصل ۵۹ است. اما قانون عادی در مفهوم عام هنجارهای قانونی غیر از قانون اساسی را شامل می‌شود.

مفهوم «قانون» در اصول قانون اساسی

تتبع در شواهد لغوی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و شورای بازنگری قانون اساسی، قوانین عادی و رویه‌های اساسی چنین می‌نماید که دانش‌واژه «قانون» در اصول قانون اساسی در معانی مختلفی آمده است.

یافتن مفهوم این واژه در هر یک از اصول قانون اساسی، آثار مهمی چون مشخص شدن حدود صلاحیت نهادهای مذکور در قانون اساسی، تعیین حدود و قلمرو صلاحیت موضوعی نهادهای قاعده‌گذار در وضع قواعد حقوقی و فوایدی همچون کمک به مفسر در ارائه تفاسیر همگون، متقن و قابل دفاع از متن اصول را در پی خواهد داشت.

به عنوان نمونه هرگاه اصلی از اصول قانون اساسی تعیین ضوابط موضوعی را به

«قانون» محول کرده باشد (همچنان که در بسیاری از عبارات ذیل اصول قانون اساسی نیز چنین است)^(۱) و شواهد و قرائن دلالت بر استفاده از واژه «قانون» در این مقام در معنی قانون عادی باشد، از یک سو نهادی غیر از مجلس شورای اسلامی به عنوان قلب تقنینی کشور و ابزاری غیر از قانون، صلاحیت ورود در چارچوب بندی و سامان دادن به آن امر را ندارد. از سوی دیگر در مواردی از این قبیل، نوعی از صلاحیت تکلیفی برای مجلس ایجاد شده است که عدم انجام این رسالت به معنی تخلف از وظایف بوده و در نتیجه منجر به مسئولیت مجلس در برابر مردم و رهبر خواهد شد.

۱- «قانون» در مفهوم قانون عادی

در تفکیک و تمییز هنجارهای حقوقی مهمترین و در عین حال روشن ترین ملاکی که می توان معیار قرار داد، آیین وضع و مرجع وضع هنجارهاست. بر این اساس صاحب نظران عنوان قانون عادی را بر هر قاعده ای که مطابق با فرایند پیش بینی شده در قانون اساسی به تصویب مجلس رسیده باشد اطلاق می کنند. به عبارت مختصر قانون عادی، مصوبات قوه مقننه را شامل می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۰۹). البته در نظام حقوقی ایران مستند به اصل ۵۹^(۲) قانون اساسی همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای عمومی نیز طریقی استثنایی در وضع قانون محسوب می شود و مصوبات وضع شده از این طریق نیز در شمول عنوان قانون عادی قرار دارند.

با عطف توجه به اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی که دو طریق وضع قانون در نظام حقوقی ایران را بیان کرده اند، به نظر می رسد که اگرچه مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام را نمی توان در شمول مصادیق قانون عادی در معنای یاد شده گنجاند، اما معنای وسیع قانون عادی (همه قوانین به غیر از قانون اساسی) نه تنها مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام بلکه مصوبات مجلس خبرگان رهبری^(۳) را نیز شامل

۱. اصولی چون اصل ۸، ۷، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۳ و بسیاری اصول دیگر

۲. در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

۳. اصل ۱۰۸: قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و

می‌شود. هر چند مصوبات این نهادها در مقایسه با مصوبات مجلس شورای اسلامی دارای شأن قانونی متفاوت بوده و در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی جایگاه متفاوتی نسبت به مصوبات مجلس دارند.

در بسیاری از اصول قانون اساسی دانش‌واژه «قانون» معرّف قوانین عادی است. به صورت کلی باید گفت که در یک نظام حقوقی که مجلس به عنوان مرجع عام قانون‌گذاری محسوب می‌شود^(۱) استفاده از کلیدواژه «قانون» به صورت مطلق و بدون قرینه، حمل بر مصوبات این نهاد است مگر آنکه مؤید و قرینه‌ای خلاف این موضوع را اثبات کند. البته همچنان که آمد مستند به اصل ۵۹ در موارد خیلی مهم و به صورت استثنایی ممکن است کاربست این قوه از طریق همه‌پرسی انجام گیرد. علاوه بر این اصل، حمل واژگان متون و اسناد بر مفاهیم عرفی و آشنا با اذهان نیز اصل تفسیری دیگری است که در تقویت قاعده یادشده می‌توان به آن اشاره کرد^(۲) (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۶). راجع به واژه «قانون» نیز با توجه به اصل ۵۸ و صلاحیت مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین و کثرت رجوع حقوق‌دانان اعم از قضات، وکلا، کارشناسان حقوقی و اساتید دانشگاه و حتی عامه مردم به قوانین عادی در قیاس با قانون اساسی به نظر می‌رسد که معنی عرفی و تبادل ابتدایی از واژه «قانون» در اذهان قانون عادی است. بر این اساس بر مبنای اصل حمل الفاظ بر معانی عرفی نیز کلیدواژه «قانون» حمل بر قوانین عادی می‌شود.

در اصول قانون اساسی در برخی موارد همچون اصل ۱۲۲ کلیدواژه «قانون» صراحتاً موصوف به صفت «عادی» شده است. در اصولی دیگر نیز اگرچه مقنن به صراحت از وصف «عادی» برای کلیدواژه «قانون» استفاده نکرده است، اما در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، صریحاً از سوی برخی نمایندگان به تصویب این قوانین از سوی مقنن عادی اشاره شده است (اصول ۴ و ۷) (اداره کل امور فرهنگی،

→

تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

۱. اصل ۷۱: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند»

۲. همچنان که در ماده ۲۲۴ قانون مدنی این اصل راجع به عقود و قراردادها با عبارت «الفاظ عقود حمل است بر معانی عرفیه» آمده است.

۱۳۶۴، ج ۱: ۳۴۷ - ۳۳۰)، اصل ۱۳ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۹۹ - ۵۰۰)، ذیل اصل ۴۴ و ۵۲ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۵۴۶ - ۱۴۱۷)، اصل ۵۱ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۴۱۱)، اصل ۶۲^(۱) (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۹۰)، اصول ۱۰۰ و ۱۰۶ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۰۲۲ - ۹۸۷)، اصول ۱۱۶ و ۱۱۸ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۲۷ - ۱۲۱۶)، اصل ۱۳۹ (اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۳۰۹ - ۱۳۰۸). این اشارات مؤیدی بر افاده «قانون» بر قانون عادی در این اصول است. هرچند که این نهاد در طول حیات نظام حقوقی ایران در صور مختلفی چون مجلسین سابق، شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی و در موارد استثنایی هنجارهای تأییدشده از طریق فرایند همه‌پرسی، پیش‌بینی شده در اصل ۵۹ قانون اساسی ظاهر شده است، اما عنوان مقنن عادی بر همه این دستگاه‌ها صادق است.

بنابراین در اصول یاد شده که واژه «قانون» فاقد قرینه و اماراتی راهنما اعم از قرائن و شواهد لفظی، اشاره قانونگذار اساسی و نظرات مفسر قانون اساسی آمده باشد، حمل بر مفهوم متعارف آن یعنی قانون عادی خواهد شد. این موضوع خود متأثر از استقلال قوا^(۲) و صلاحیت مقرر شده برای مجلس شورای اسلامی به عنوان مقام اعمال‌کننده قوه مقننه است^(۳). این نکته در برخی جلسات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز اشاره شده است؛ تا بدان حد که عبارت «قوانین مجلس شورای ملی» در نظام دارای مجلس قانونگذار، عبارتی غیرصحیح دانسته شده و اطلاق قانون بر مصوبات این نهاد امری بدیهی انگاشته شده است (بهشتی، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴: ۱۱۱۴). بر اساس نکته اخیر در مواردی که بر اساس قرائن و شواهد نتوان معنایی خاص برای قانون در اصول قانون اساسی قرار داد و یا اینکه در یافتن مفهوم

۱. مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

۲. اصل ۵۷: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

۳. اصل ۵۸ «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد»

این کلیدواژه شک و تردید وجود داشته باشد باید این واژه را بر مصوبات نهاد تقنینی کشور حمل نمود.

در بسیاری از این اصول (همچون اصول ۸، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۱۷۴) به واقع مقنن اساسی بیان و چارچوب‌گذاری برخی موضوعات را در صلاحیت انحصاری و ویژه مجلس شورای اسلامی^(۱) قرار داده است. به این معنی که سایر ارکان و مقامات صالح در تصمیم‌گیری از جمله مقامات قوه مجریه با وضع آیین‌نامه و سایر مقررات دولتی، نمی‌توانند راجع به این امور وضع قاعده نمایند. این موضوع در شمار زیادی از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مستند ابطال مقررات دولتی قرار گرفته است^(۲) که خود مؤیدی بر استفاده از واژه «قانون» در معنی «قوانین عادی» در این اصول است. البته همچنان که ذکر شد قوانین عادی در موارد بسیار مهم مستند به اصل ۵۹ قانون اساسی و ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ مجلس شورای اسلامی^(۳) می‌تواند از طریق مراجعه به آرای عمومی و از طریق همه‌پرسی وضع می‌شود.

علاوه بر نکات یاد شده در برخی از تفاسیر مفسر قانون اساسی از برخی اصول قانون اساسی، با وجود آنکه در متن اصل، واژه «قانون» به صورت مطلق به کار رفته است، به صراحت صفت «عادی» برای واژه «قانون» قرار داده شده است. از جمله این

۱. حوزه صلاحیت ویژه قانونگذاری مجلس در برابر قلمرو صلاحیت عام قانونگذاری قرار دارد؛ به این معنی که صلاحیت ویژه آن گروه موضوعاتی را شامل می‌شود که به واسطه تصریح مقنن اساسی قاعده‌گذاری پیرامون این موضوعات صرفاً در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و با ابزار قانون ممکن است. در حالی که قلمرو صلاحیت عام تقنین (برآمده از اصل ۷۱) موضوعاتی را شامل می‌شود که می‌توان برای قاعده‌گذاری پیرامون آنها از ابزارهایی چون آیین‌نامه نیز استفاده کرد. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۳، ۲۹۱-۲۹۲)

۲. به عنوان نمونه: دادنامه ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال بند ۴ بخشنامه محرمانه شماره ۶۶۸۴/م/ص- ۱۳۹۰/۱۱/۲۳ وزارت صنعت، معدن و تجارت با این استدلال که جرم‌انگاری موضوعی در صلاحیت مقنن و از کارویژه‌های قانون است و دادنامه شماره ۸۶/۵ در ابطال بخشنامه‌های شماره ۳۴۷۹۲/۲۰۳۶/۲۰ مورخ ۱۳۶۶/۹/۱ و ۴۸۶۰/۲۵۶۰/۲۰ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۳ معاون درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارائی مستند به اصل ۵۱ قانون اساسی و لزوم وضع مالیات‌ها به وسیله قانون.

۳. همه‌پرسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد.

موارد می‌توان به نظریه شماره ۴۲۰۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۵^(۱) این نهاد، راجع به اصل ۱۷۴ اشاره کرد. در این نظریه تفسیری تعیین حدود وظایف سازمان بازرسی کل کشور به قانون عادی سپرده شده است در حالی که کلیدواژه «قانون» در اصل ۱۷۴ در عبارت «...حدود اختیارات و وظایف این سازمان را «قانون» تعیین می‌کند» به صورت مطلق آمده است. این نظریه تفسیری نیز مثبت اطلاق کلید واژه «قانون» بر قانون عادی در این اصل است.

نمونه دیگر، نظر شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ شورای نگهبان پیرامون اصل ۱۳۸ و در تشریح واژه «قوانین» مندرج در ذیل اصل مذکور است. شورا در پاسخ به این سؤال که آیا لفظ «قوانین» مندرج در قسمت اخیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی قابل تفسیر به قانون اساسی نیز بوده و در نتیجه ریاست مجلس شورای اسلامی مسئولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی را نیز خواهند داشت یا به دلالت قسمت اخیر اصل ۸۵ قانون اساسی ناظر به قوانین عادی است، «قانون» در این بخش از اصل را بردارنده «قانون اساسی» ندانسته است. بر این اساس کلیدواژه «قوانین» در ذیل این اصل صرفاً قوانین عادی را شامل می‌شود.

شورای نگهبان طی نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۲۴۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۱ در پاسخ به رئیس مجلس^(۲) و در تفسیر از ذیل اصل ۱۳۳ هرگونه تحول در وظایف و اختیارات

۱. بر حسب بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه نظارت بر حسن اجراء قوانین دارد، بنابراین اصل می‌تواند در موارد تخلف از اجراء قوانین به مقامات مسئول اخطار کند و مقامات مسئول موظفند به اخطارات قوه قضائیه که به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی انجام می‌شود توجه نمایند و در صورت عدم توجه، از قانون اساسی تخلف نموده‌اند و ترتیب و حدود این وظائف در قانون عادی نیز بیان شده است.

۲. متن استفساریه: به استناد اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفسیر اصل ۱۳۳ آن قانون به شرح ذیل مورد تقاضای مجلس شورای اسلامی می‌باشد: «اولاً»، با توجه به قسمت نخست اصل ۱۳۳ قانون اساسی که بر معرفی وزراء به مجلس شورای اسلامی توسط رئیس جمهور برای گرفتن رأی اعتماد تصریح دارد، آیا با تغییر اساسی در وظایف و اختیارات هر یک از وزارتخانه‌ها، معرفی وزیر جدید به مجلس و اخذ رأی اعتماد برای وی از جمله تکالیف رئیس جمهور می‌باشد یا خیر؟ ثانیاً، با عنایت به قسمت اخیر اصل ۱۳۳ قانون اساسی که تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را موقوف به تعیین قانون نموده است، آیا عنوان و وظایف و اختیارات وزارتخانه جدیدی که با ادغام دو یا چند وزارتخانه یا انتزاع بخشی از وظایف یکی از آنها تشکیل می‌گردد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد یا از اختیارات رئیس جمهور و یا هیات وزیران می‌باشد؟

وزرا و ادغام وزارتخانه‌ها را نیازمند مصوبه مجلس شورای اسلامی دانسته است. بر این اساس شورا «قانون» در اصل ۱۳۳ را مشعر به قانون عادی دانسته است^(۱) (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳: ۶۱۰).

علاوه بر نظرات تفسیری، شورای نگهبان در مقام تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی نیز در برخی نظرات خود از واژه «قانون» در برخی اصول قانون اساسی رفع ابهام کرده است؛ به عنوان نمونه در بخشی از اظهارنظر شماره ۷۸/۲۱/۵۸۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۹/۳۰ در خصوص لایحه برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ آمده است که تعیین قلمرو و شرایط و ضوابط مربوط به بهره‌برداری (از تأسیسات مذکور در ماده ۱۹) نیازمند تصویب و مصوبه مجلس است. با این عبارت شورا مقصود از «قانون» در ذیل اصل ۴۴ (تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند) را «قانون عادی» قلمداد کرده است. (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

از فحوای بسیاری از نظرات شورا از جمله اظهارنظر شماره ۲۷۹۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ در خصوص موافقت‌نامه حمل و نقل بین‌المللی از طریق جاده بین دولت ایران و دولت جمهوری عربی سوریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی، نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۱۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۲ شورای نگهبان راجع به لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی که مستند به اصل ۵۱ قانون اساسی^(۲) صادر شده است افاده «قانون» بر مصوبات قوه مقننه از این اصل استفاده می‌شود (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ۱۴۷).

۱. نظریه تفسیری: با توجه به وضوح اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ۱۳۳، هرگونه تغییر در وظایف و اختیارات قانونی و نیز ادغام دو یا چند وزارتخانه، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تا قبل از تصویب مجلس، تغییری در مسئولیت و اختیارات وزیران و وزارتخانه‌های قبلی به وجود نخواهد آمد. وزیر وزارتخانه‌های جدید یا ادغام شده، در هر صورت وزیر جدید محسوب شده و نیاز به اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی دارد.

۲. هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

۲- قانون در معنی احکام شریعت اسلام

در برخی از اصول قانون اساسی واژه «قانون» معرف احکام شریعت اسلام است. شواهد گویای آن است که در بند ۲ از اصل ۲ که «ایمان به وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین» به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی قرار داده شده است و ذیل اصل ۴۴ که یکی از شرایط حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران از مالکیت در سه بخش تعاونی، خصوصی و دولتی را عدم خروج از حدود «قوانین اسلام» بیان کرده است کلیدواژه «قانون» در این معنا استفاده شده است. مهمترین شاهد این موضوع منطوق و ظواهر اصول یادشده است. با این شرح که استفاده از عبارت «وحی الهی» در اصل ۲ و صفت «اسلام» در اصل ۴۴ مثبت این ادعا است. به یقین مقصود مقنن در این اصول از واژه «قانون»، احکام الهی بوده است و با توجه به قرائن «وحی الهی» در اصل ۲ و «اسلام» در اصل ۴۴ نمی‌توان مفهوم دیگری را برای این دانش‌واژه صادق دانست.

چنانکه در تشریح «قوانین الهی» در بند ۲ اصل ۲ در مشروح مذاکرات از سوی نماینده گروه تنظیم‌کننده آمده است که موضوع تشریع قوانین، فصل ممیز نظام اسلامی کشور از سایر نظام‌هاست. چرا که در آن نظام‌ها نظرات مردم در قانون‌گذاری دخالت دارد در حالی که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قوانین از منبع وحیانی و قدسی ساطع شده است (ربانی شیرازی، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۰۸). این موضوع مؤیدی است بر این نکته که «قانون» در این اصول دربردارنده احکام و قواعد شریعت اسلام به عنوان نمونه در زمینه امور جزایی، مالی و نظامی و مانند آن است.

۳- قانون در معنای عام (همه هنجارهای حقوقی)

واژه «قانون» در مفهوم عام، کلیه هنجارهای حقوقی فارغ از عنوان اطلاق شده بر آنها (قانون عادی، اساسی، آیین‌نامه، بخش‌نامه) و بدون توجه به مرجع و نهاد واضع این هنجارها (قوه مؤسس، قوه مقننه، قوه مجریه و غیر اینها) را شامل می‌شود. بایدها و نبایدهای حقوقی از زاویه مخاطبین به دو دسته هنجارهای عام^(۱) و

۱. هنجارهای موجد حق و تکلیف افراد جامعه

خاص^(۱) تقسیم می‌شوند. با این توضیح که متون حقوقی مختلف دارای شمول و دایره واحدی نیست، بر این اساس که برخی اسناد و متون، همه و یا گروه کثیری از افراد جامعه را در بر می‌گیرد و در مقابل، مخاطب برخی دیگر، محدود به مخاطبین معینی است. از این گروه اسناد می‌توان به بخش‌نامه‌های اداری (ایجاد کننده وضع خاص برای کارمندان در یک نهاد و دستگاه) اشاره کرد که صرفاً برای کارمندان یک نهاد جنبه لازم‌الاجرا دارند. در مقابل برخی هنجارهای حقوقی موجب حقوق و تکالیفی نه برای فرد یا افراد خاص بلکه برای افراد جامعه می‌باشند. به نظر می‌رسد که واژه «قانون» در بند ۱۴ اصل ۳، اصل ۲۰، ذیل اصل ۷۳ و اصول ۱۰۷، ۱۵۶، ۱۶۱ (واژه قوانین)، ۱۶۶ و ۱۶۷ در معنای عام و محیط بر همه هنجارهای حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است.

در میان هنجارهای حقوقی نه تنها متون قانونی (اعم از اساسی و عادی) بلکه نظامات و مقرراتی همچون آیین‌نامه‌ها^(۲) نیز می‌توانند دربردارنده حقوق و تکالیفی برای افراد جامعه باشند. بر این اساس لازم است افراد جامعه بدون تبعیض و با رعایت اصل مساوات از حقوق مندرج در این هنجارها بهره‌مند شده و سنگینی تحمیلات این هنجارها را نیز بر دوش کشند. به یقین وقتی از افراد جامعه سخن به میان می‌آید لزوماً به این معنی نیست که باید همه افراد جامعه تحت شمول یک هنجار حقوقی قرار داشته باشند تا بتوان آن هنجار را موصوف به وصف عام دانست. بلکه همین مقدار که یک هنجار ناظر به یک وضع خاص باشد نه شخص خاص، این هنجار، هنجار عمومی

۱. هنجارهای حاکم بر مقامات و جایگاه‌های خاص فارغ از متصدی این مواضع

۲. ماده ۳۰ آیین‌نامه داخلی هیأت وزیران: مصوبات هیأت وزیران و کمیسیون‌های موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی، در صورتی که صرفاً حق یا تکلیف برای وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت ایجاد نماید، ولو آن که در روزنامه رسمی منتشر نشده باشد و یا منتشر نشود همچنین مصوبات طبقه‌بندی شده (محرمانه - خیلی محرمانه - سری - به کلی سری) از تاریخ ابلاغ به وزارتخانه یا سازمان دولتی که مصوبه به عنوان و خطاب به آن صادر شده است، لازم است.

تبصره: مصوباتی که علاوه بر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آن برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد می‌نماید، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا است. مگر آن که در خود مصوبه زمان یا کیفیت خاصی برای اجرای آن پیش‌بینی شده باشد.

و دارای شمول عام محسوب می‌شود (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۰).^(۱)

عمل قضا و قضاوت با تفسیر متون عجین است. چرا که این قضات هستند که بین مفهوم ذهنی و انتزاعی قانون با حقایق و پرونده‌های موجود ایجاد ارتباط کرده و کلیات قانونی را در قالب آراء بر حقایق جزئی حمل می‌کنند. بر این مبنا قضات در مقام صدور حکم و رسیدگی به پرونده‌ها ناگزیر از تفسیر متون مورد استناد بوده و در این مسیر هر هنجار حقوقی اعم از قانون اساسی و عادی و آیین‌نامه‌ها می‌تواند تفسیر قضایی^(۲) شود. بر این اساس در ذیل اصل ۷۳ نیز واژه «قوانین» در معنای عام آمده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۰۸ و پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲: ۲۰) علاوه بر این قضات دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به موضوعات و پرونده‌ها همچنان که می‌توانند قانون عادی را مستند آراء خود قرار دهند، این صلاحیت را دارند که بر مبنای هنجارهای لازم‌الاجرای دیگر از جمله قانون اساسی اقدام به صدور رأی نمایند (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲: ۶-۳۰). به یقین در ایجاد ممنوعیت برای قضات در استناد به قانون اساسی باید دلایل متقن و قابل دفاع ارائه کرد، در غیر این صورت اصل بر این است که قانون اساسی هم به عنوان متن قانونی که در آن نه تنها همچون سایر قوانین از حقوق و تکالیف افراد و اشخاص سخن رفته است بلکه مهمترین حقوق و تکالیف افراد را در خود جای داده است نیز می‌تواند مورد استناد قضات قرار گیرد.^(۳) این نکته نشان دهنده این موضوع است که واژه «قوانین» در اصل ۱۶۷

۱. مساوات در برابر قانون (موضوعی که بسیاری از اصول یاد شده حول آن تدوین شده‌اند) به این معنی است که کلیه قوانین درباره همه افراد جامعه یکسان وضع و اجرا گردد. این موضوع هم پیرامون قانون اساسی و هم قوانین عادی و همه متون تقنینی و نظام‌نامه‌ای که قدرت در ایجاد حق و تکلیف برای افراد جامعه دارد صادق است (ایمانی، قطمیری، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

۲. در بیان تمایز تفسیر قضایی از تفسیری که مجلس شورای اسلامی از قوانین عادی مستند به اصل ۷۳ و شورای نگهبان مستند به اصل ۹۸ از قانون اساسی انجام می‌دهد باید گفت که این نوع از تفسیر جنبه شخصی و موردی داشته و به هیچ روی موجد ایجاد الزام برای قاضی صادرکننده رأی در سایر پرونده‌ها و سایر قضات و مجریان قانون مورد تفسیر نبوده و صرفاً منشأ اثر در رأی صادر شده است. این در حالی است که تفسیر قانون عادی از سوی مجلس شورای اسلامی در حکم متن قانون و همچون متن قانون برای مجریان لازم‌الرعايه بوده همچنان که تفسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی نیز در حکم اصول قانون اساسی و داری همان ارزش و اعتبار می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۱۵).

۳. این موضوع در اولین پیش‌نویس قانون اساسی نیز در اصل ۴۵ با این عبارت مورد اشاره قرار گرفته

شامل قانون اساسی نیز می‌شود.

علاوه بر این موضوع صلاحیت قضات در استناد به قانون اساسی از اطلاق «قانون» در اصول یاد شده نیز استخراج می‌شود. بر این اساس، نتیجه حاصله از صلاحیت قضات در استناد به قانون اساسی در آرای قضایی این خواهد بود که دیوان عالی کشور نیز به عنوان نهاد ناظر بر اجرای قوانین در محاکم، صلاحیت نظارت بر استناد و تفسیر از متن قانون اساسی در محاکم را داشته باشد (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲، ۵۲). این مهم راجع به سایر هنجارهای حقوقی لازم‌الاجرا از جمله آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها نیز صادق است. بر همین اساس، اصل ۱۷۰ قضات دادگاه‌ها را مکلف به خودداری از اجرای آیین‌نامه‌های مغایر با قانون و مقررات اسلامی دانسته است. فحوی مفاد این اصل بیانگر این نکته است که در صورتی که این مقررات مغایر با قوانین و مقررات اسلامی نباشد قضات دادگاه‌ها می‌توانند مستند به مفاد آنها اقدام به صدور رأی نمایند. بنابراین کلیدواژه «قانون» در اصول ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۷ قانون اساسی و قوانین عادی را شامل می‌شود. مؤید شمول واژه قانون بر قانون اساسی و قانون عادی در اصل ۱۷۰ بند «ت» ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲^(۱) است که رسیدگی به شکایت از مصوبات مغایر با قانون اساسی را نیز در شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار داده است.

۴- قانون به مثابه قانون اساسی

در برخی از اصول کلیدواژه «قانون» صرفاً بیانگر قانون اساسی بوده و سایر هنجارهای حقوقی را شامل نمی‌شود. با این توضیح که در برخی اصول (۵۷، ۶۰، بند ۹ اصل ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۰) «قانون» با اسم اشاره نزدیک «این» آمده است. علاوه بر این در اصولی دیگر، مقنن صراحتاً «قانون» را در عبارت «قانون اساسی» مورد استفاده قرار داده است (۶۵، ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۲) با



بود که «دادرس مأمور اجرای قوانین، اعم از اساسی و عادی است» (ورعی، ۱۳۸۶، ۱۰۷۲)

۱. تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، با تقدیم درخواست انجام می‌گیرد. در درخواست مذکور، تصریح به موارد زیر ضروری است... ت - دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده

توجه به این قرائن این موضوع صراحت داشته و بی‌نیاز از تحلیل و استدلال است.

۵- شمول کلیدواژه «قانون» بر قانون اساسی و عادی

شمول کلیدواژه «قانون» در اصول ۴۴^(۱)، ۱۰۵، ۱۳۸^(۲) (صدر اصل)^(۳)، در بردارنده قانون اساسی و عادی است. از یک سو بر مبنای اصل سلسله مراتب هنجارهای حقوقی، هنجارهای فرودین را ضرورت آن است تا با مفاد هنجارهای فرازین در تعارض نبوده و با مفاد آن هنجارها هماهنگ باشند. به منظور کنترل این موضوع در نظام حقوقی ایران مقامات و نهادهای متعددی از سوی مقنن اساسی پیش‌بینی شده‌اند. از جمله این نهادها ارکان قوه قضائیه، چون دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و دادگاه‌های عمومی می‌باشند که بر اساس اصول متعددی از قانون اساسی به عنوان بخشی از فعالیت خود بررسی انطباق مصوبات قوه مجریه و شوراهای محلی با قوانین را بر عهده دارند. بنابر این نکته و اطلاق «قانون» در اصل ۱۰۵ و ۱۳۸^(۴) به نظر می‌رسد که این واژه در بردارنده هر دو مفهوم قانون اساسی و عادی در مفهوم عام باشد.

۱. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد ... مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

۲. علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آیین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد...

۳. راجع به کلیدواژه «قوانین» در این اصل این نکته را باید توجه داشت، که واژه «قوانین» در ذیل اصل ۱۳۸ که شورای نگهبان آن را شامل قانون اساسی ندانسته است، در مقام ترسیم یک تکلیف برای رئیس مجلس است. بر این اساس نمی‌توان گفت که به قرینه نظریه تفسیری شورا از ذیل اصل، سایر مواردی که واژه «قوانین» در این اصل به کار رفته نیز شامل قانون اساسی نمی‌شود.

۴. علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آیین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

سرانجام

کلیدواژه «قانون» از جمله پرکاربردترین واژگان قانون اساسی است که در اصول مختلف این متن قانونی استفاده شده است. اما نکته شایسته توجه آن است که این دانش‌واژه در این متن قانونی در پنج معنی به قرار زیر به کار رفته است.

۱- قوانین عادی

۲- احکام شریعت اسلام

۳- هنجارهای حقوقی در مفهوم عام

۴- قانون اساسی

۵- قانون اساسی و عادی

موضوعی که توجه به آن می‌تواند بسیاری ابهامات را از مفاد و محتوای اصول قانون اساسی زدوده و زمینه ارائه تفاسیر متقن از متن را فراهم آورد. همچنان که عدم توجه به این مهم می‌تواند منجر به ارائه تفاسیری متعارض و ضد و نقیض از اصول قانون اساسی منجر شود.

فهرست منابع

الف) اسناد و قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. آیین نامه داخلی هیأت دولت، ۱۳۶۸/۹/۸، هیأت وزیران
۳. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ۱۳۹۰/۹/۲۲، مجلس شورای اسلامی
۴. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی، جلد ۱ و ۳
۵. قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۴/۴، مجلس شورای اسلامی
۶. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۹۰)، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات

ب) کتب و مقالات

۷. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ چهارم، ج ۶
۸. ایمانی، عباس، قطمیری، امیررضا (۱۳۸۸)، قانون اساسی در نظم حقوق کنونی، تهران: نامه هستی، چاپ اول
۹. پروین، خیرالله و فیروز اصلانی (۱۳۹۱)، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۰. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۳)، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های ۱۳۹۰ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، چاپ اول
۱۱. پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۲)، قابلیت استناد محاکم عادی به قانون اساسی، پژوهشگاه قوه قضائیه (نشست تخصصی)
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ج ۴
۱۳. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۱)، منابع حقوق، تهران: جنگل، چاپ اول
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۲
۱۵. راسخ، محمد (۱۳۸۴)، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
۱۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۳)، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ نهم
۱۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ بیست و چهارم
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، کلیات حقوق نظریه عمومی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشار، چاپ هشتم و نه

۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، اصول حاکم بر تفسیر قانون اساسی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳۵
۲۱. متیو، برتران (۱۳۹۱)، قانون، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان، چاپ اول
۲۲. معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ متوسط فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، ج ۲
۲۳. موسی زاده، رضا (۱۳۸۶)، حقوق اداری (۱-۲) کلیات و ایران، تهران: میزان، چاپ هشتم
۲۴. نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فردا فرین، انتشارات بین‌المللی المهدی، چاپ چهارم
۲۵. ورعی، سید جواد (۱۳۸۶)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: الهادی، چاپ اول
۲۶. راسخ، محمد (۱۳۸۴)، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir